روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵
www.sharghdaily.ir
یکشنبه ۹ مهر ۱۴۰۲ • ۱۵ ربیع‌الاول ۱۴۴۵ • ۱ اکتبر ۲۰۲۳ • سال بیست‌ویکم • شماره ۴۶۶۰ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۵۴ • اذان مغرب ۱۸:۰۷
اذان صبح فردا ۴:۳۶ • طلوع آفتاب ۶:۰۰

روزنامه شرق

• در دو عملیات جداگانه یگان حفاظت محیط زیست و پلیس اطلاعات و امنیت انتظامی شهرستان بندر ترکمن، ۱۰ پرنده شکاری از صیادان متخلف کشف و ضبط شد و بعد از اطمینان از سلامت آنها در زیستگاه طبیعی خود رهاسازی شدند.
عکس: عقیل مهقانی، میزان

دیالوگ روز

دون خوان دی مارکو- جرمی لون - ۱۹۹۵

دون خوان (جانی دپ): فقط چهار سؤال ارزشمند توی زندگی وجود داره: چی مقدسه؟
روح از چی ساخته شده؟
چی ارزش زندگی‌کردن داره؟
چی ارزش مردن براش رو داره؟
جواب همه اینها یکسانه: فقط عشق!

خاطره‌خوانی

سرهایی که جنگ را روایت می‌کنند

با اینکه سال‌ها از پایان دفاع مقدس گذشته است، اما انگار خاطره‌های بسیاری باید بازگو شوند.

«علی‌بخش بهمنی» ازجمله نوجوان دوران جنگ تحمیلی بود که همراه چند نفر از اعضای خانواده خود در جبهه حضور داشت. او با ایسنا، درباره شیوه حضورش در جبهه، موشک‌باران شهر دزفول، جنایت صدام سخن گفته است. رزمنده‌ای که در شوش به دنیا آمده بود و در طول دفاع مقدس بارها با عوض‌کردن تاریخ تولدش به جبهه رفته بود. او وقتی ۱۴ساله شد بامداد تاریخ تولدش را به ۱۳۴۴ تبدیل کرد و توانست به جبهه برود.

او می‌گوید: «در زمان جنگ، دزفول نه‌تنها مقاومت کرد، بلکه هیچ‌گاه خالی از سکنه نشد و زندگی در شهر جریان داشت. با وجود حملات سنگین، مردم دزفول اعزام‌های هزار تا پنج هزار نفر به جبهه‌ها داشتند. دزفول برای صدام یک شهر استراتژیک و نظامی به حساب می‌آمد؛ چون هم راه‌آهن داشت و هم پایگاه شکاری (پایگاه هوایی). چنین دلایلی باعث شده بود تا رژیم بعث فشار را بر این شهر بیشتر کند. سال ۱۳۶۰ یک بار از دزفول برای انجام کاری بیرون رفتم، بعد که برگشتم به بازار مثلث رفتم. در جریان موشک‌باران این شهر، یک موشک ۹متری به یک فروشگاه اصابت کرد و بسیاری از مردم در این فروشگاه شهید شدند. مجروحان و شهدا را سریع به بیمارستان و سردخانه بیمارستان افشار انتقال دادیم. وقتی در یخچال‌های سردخانه را باز می‌کردیم، یخچال‌ها پر از سرهای کودکان و زنان بی‌پیکر بود که در آن ردیف شده بودند تا بستگانش آنها را شناسایی کنند. این شهر به «بلدالصواریخ» یا شهر موشک‌ها معروف شده بود».

این رزمنده در عملیات «والفجر مقدماتی» وقتی رزمنده خط‌شکن گردان بلال بود، در سال ۱۳۶۱ به اسارت درآمد. او می‌گوید: «عملیات لو رفته بود و در محاصره نیروهای دشمن بودیم. من در بین یک تانک و تیربارچی عراقی گیر افتاده بودم. آن‌قدر به تیربارچی عراقی نزدیک بودم که صدای او را می‌شنیدیم. منطقه کامل در محاصره دشمن قرار گرفت. عراقی‌ها تیر خلاص به رزمندگان ما شلیک می‌کردند. برای اینکه از این وضع نجات پیدا کنم با همان وضعیت مجروح خودم را درون چاله‌ای انداختم تا از دید آنها پنهان بمانم. کمی که شرایط آرام شد از آن چاله به سختی بیرون آمدم و بعد به دلیل خونریزی بی‌حال افتادم و دیگر نتوانستم حرکت کنم. عراقی‌ها به من نزدیک شدند، کنارم چند گلوله شلیک کردند و وقتی دیدند حرکت می‌کنم من را به بیمارستان «العماره» انتقال دادند و در آنجا به طور اضطراری عمل شدم و گلوله را از بدنم خارج کردند. در اردوگاه «عنبر» در شهر رمادیه یک سال زمین‌گیر بودم و از بدنم خونابه بیرون می‌آمد».

او در بخشی از خاطراتش از پزشکانی که در اسارت به آنها کمک می‌کردند یاد می‌کند و می‌گوید: «در آنجا چیزی به اسم بیمارستان یا مرکز درمانی نداشتیم. چند پزشک اسیر شده بودند. خدا روح دکتر بیگدلی را شاد کند، به ما با حداقل امکانات رسیدگی می‌کرد. مجید جلالوند هم از دیگر پزشکان نیروی دریایی بود که با دست خالی برای ما مرهم بود. همچنین دکتر بختیاری، عظیمی و پاکنژاد به طور رسمی با «هیچ» ما را تسکین می‌دادند. به دلیل فقدان امکانات بسیاری از اسرای مجروح یا قطع عضو می‌شدند یا شهید». او اول شهریور ۶۹، سه روز پس از آغاز ورود اسرا به ایران، از مرز خسروی به ایران بازگشت.

شبکه‌خوانی

طرح ضدکارگری

این روزها در شبکه‌های اجتماعی و محافل کارگری، بحث بر سر طرح استاد-شاگردی است که در لایحه برنامه هفتم دولت پیشنهاد داده شده و نگرانی وجود دارد که این طرح در مجلس تصویب شود و امنیت حداقل چهار میلیون کارگر به خطر بیفتد. آن‌طور که ایلنا با «حسین حبیبی» گفت‌وگو کرده است، این عضو هیئت‌مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور معتقد است این بندها باید کامل حذف شوند؛ چراکه نمایندگان مجلس حق ندارند وفق اصل ۷۲ قانون اساسی، قوانینی وضع یا تصویب کنند که با اصول مذهب رسمی کشور یا با قانون اساسی مغایرت داشته باشد.

از طرفی آن‌طور که «سمیه گلپور»، رئیس کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران ایران، با تسنیم گفت‌وگو کرده است، این طرح در تعارض با اصل ۲۹ قانون اساسی و سیاست‌های کلی برنامه هفتم است. او به این طرح که برای اشتغال‌زایی پیشنهاد شده، اما سبب می‌شود کارآموزان با دستمزدی پایین‌تر و به صورت توافقی مشغول کار شوند بدون آنکه امیدی داشته باشند در آینده در این شغل بتوانند فعالیت کنند، معترض است. او معترضانه توضیح داد: «بیمه بی‌کاری و بازنشستگی هم می‌تواند برای آنان حذف شود. کارگاه‌های زیر پنج نفر، بنگاه‌ها و اصنافی مانند بقالی، نانوایی و آرایشگاه‌ها هستند که تعداد آنها حدود دومیلیون‌و۳۰۰ هزار واحد است و بیش از چهار میلیون کارگر دارند. چون ظرفیت کشور برای این بنگاه‌ها ثابت است و بازار کار آن اشباع است، اگر کارآموزی را در این بنگاه‌ها فعال کنیم، اول اینکه تضمینی برای تولید اشتغال پایدار جدید وجود ندارد و دوم اینکه بنگاه‌ها برای اینکه دستمزد پایین‌تری پرداخت کنند، به جذب کارآموز اقدام می‌کنند. بنابراین طرح استاد-شاگردی نه‌تنها کمکی به افزایش اشتغال نمی‌کند، بلکه خلاف سیاست‌های کلی اشتغال ابلاغی مقام معظم رهبری و سیاست‌های سازمان تأمین اجتماعی است».

رئیس کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران ایران تأکید کرد: «جذب کارگر ارزان دست کارفرما را برای اخراج نیروی باتجربه باز می‌گذارد. در شرایط فشار اقتصادی امروز، بسیاری از کارگران، به‌خصوص نیروی کار ارزان مثل زنان، حاضر به کار در قالب چنین طرحی می‌شوند. آنها ناچار هستند برای گذران زندگی به کار با حقوق بسیار پایین تن بدهند، این در حالی است که حتی حداقل حقوق وزارت کار نمی‌تواند کفاف حداقلی‌ترین هزینه‌های زندگی را بدهد، چه برسد به حقوقی پایین‌تر از مصوبه وزارت کار».

نظری به قره‌باغ در سومین سالروز جنگ دوم

مهدی زارع

قره‌باغ، «قره‌باغ بالا» یا ناگورنو قره‌باغ با چهارهزارو ۴۰۰ کیلومترمربع با جمعیت برآوردشده حدود ۱۵۰ هزار نفر در پایان دهه دوم سده بیست‌ویکم، منطقه‌ای است واقع در قفقاز جنوبی و بخشی از منطقه بزرگ قره‌باغ است که بین قره‌باغ سفلی و سیونیک قرار دارد. زمین آن بیشتر از کوه‌ها و پوشش جنگلی تشکیل شده است. قره‌باغ یک سرزمین مورد مناقشه است که در سطح بین‌المللی به عنوان بخشی از آذربایجان به رسمیت شناخته شده است، اگرچه بیشتر قلمرو آن توسط جمهوری خودخوانده قره‌باغ کوهستانی (NKR) اداره می‌شود. قره‌باغ تنها منطقه درگیری در اتحاد جماهیر شوروی سابق است که در آن از مرزهای یک جمهوری خودمختار فراتر رفته و مناطق اطراف آن نیز اشغال شده بود.

به عنوان مثال، منطقه درگیری در جمهوری خودمختار آبخازیا از محدوده جمهوری خودمختار عبور نمی‌کند و حتی یک اینچ از مناطق اطراف آن اشغال نشده است. در اشغال قره‌باغ و مناطق اطراف آذربایجان -نظیر لاچین توسط نیروهای ارمنی طی سال‌های ۱۹۹۴ تا ۲۰۲۰- کنترل شد. روز پنجم مهر ۱۳۹۹/ ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۰ آغاز یک درگیری مسلحانه مجدد در قره‌باغ میان نیروهای آذربایجان با اعضای جمهوری خودخوانده ارمنی‌نشین آرتساخ و ارمنستان بود. درگیری منجر به تلفات جانی و تخریب اموال غیرنظامیان شده است. از ۱۵۰ هزار نفری که قبل از شروع جنگ در این منطقه زندگی می‌کردند، درصد زیادی از زنان و کودکان به ارمنستان گریختند. خطر واقعی تشدید بیشتر با پیامدهای پیش‌بینی‌نشده و خطر دخالت سایر کشورها در این مناقشه قفقاز جنوبی وجود دارد.

حدود ۲۰۰ سال قبل در شروع جنگ دوم ایران و روس و در پی شکست ایران در جنگ اول، در روز ۳۱ جولای ۱۸۲۶ یک ارتش ۳۵ هزار نفری به رهبری شاهزاده عباس‌میرزا قاجار به قره‌باغ و تالش حمله کرد. در پی ضدحمله روسیه به رهبری ژنرال پاسکوویچ و اشغال ارومیه و تبریز، عهدنامه ترکمنچای در ۲۲ فوریه ۱۸۲۸ امضا شد که خانات قره‌باغ، ایروان و نخجوان را به روسیه داد. با معاهده ترکمنچای، روسیه تقریبا تمام سرزمین‌های قفقاز را از ایران جدا کرد. آنها قبلا گرجستان، داغستان و بیشتر آذربایجان امروزی را از طریق عهدنامه گلستان ۱۸۱۳ به دست آورده بودند. طبق مفاد این معاهده، خانات اریوان و نخجوان به روسیه رسیدند و ارمنستان امروزی و بخش باقی‌مانده از جمهوری آذربایجان معاصر که هنوز در دست ایران باقی مانده بود و همچنین بخش کوچکی از آناتولی شرقی یعنی ایگدیر (که اکنون بخشی از ترکیه است)، به روسیه داده شد. فتحعلیشاه وعده پرداخت غرامت ۲۰ میلیون روبل نقره را داد و به اتباع ارمنی خود اجازه داد بدون هیچ مانعی به خاک روسیه مهاجرت کنند. این امر باعث تغییرات جمعیتی قابل توجهی در قفقاز و همچنین در داخل مرزهای تازه‌تأسیس ایران شد. مهم‌تر از آن، شاه به روس‌ها حق انحصاری برای حفظ نیروی دریایی در دریای کاسپین اعطا و موافقت کرد که بازرگانان روس آزادند تا در هر کجای ایران که می‌خواهند تجارت کنند!

حدود سه دهه قبل و در پی فروپاشی اتحاد شوروی، درگیری اولیه ۱۹۹۲-۱۹۹۴ با پایان جمهوری‌های مبتنی بر قومیت یا مناطق خودمختار هم‌زمان بود که تا حد زیادی در سال ۱۹۲۲ توسط استالین، کمیسر ملیت‌ها، راه‌اندازی شده بود. به منظور توقف جنگ ۱۹۹۲-۱۹۹۴ که طی آن حدود ۵۰۰ هزار نفر آواره شدند، سازمان امنیت و همکاری اروپا (OSCE) کمیته‌ای متشکل از ۱۱ کشور برای میانجیگری به نام گروه مینسک ایجاد کرد که فرانسه، ایالات متحده آمریکا و روسیه با هم همکاری می‌کردند. گروه مینسک تعدادی از جلسات میانجیگری را سازماندهی کرد، اما این جلسات منجر به هیچ تغییری در ساختارهای پیچیده منطقه یا همکاری واقعی بین آذربایجان و ارمنستان نشد. گروه مینسک به طور فزاینده‌ای در قفقاز ناکارآمد بود. سرخوردگی از عدم پیشرفت در میان رهبران آذربایجان که از سال ۱۹۹۴ استدلال می‌کردند تمامیت ارضی آنها توسط ارمنستان نقض می‌شود، شدیدتر بود. پاسخ ارامنه این بود که قره‌باغ دارای اکثریت مردم ارمنی است و آنها حق تعیین سرنوشت دارند.

آنچه امروز با جنگ ۱۹۹۲-۱۹۹۴ متفاوت است، دخالت مستقیم ترکیه در حمایت از جمهوری آذربایجان است. آذربایجان از تعداد زیادی پهپاد ساخت ترکیه استفاده کرده و فضای هوایی را در انحصار خود دارد. این احتمال وجود دارد که ترکیه متخصصان استفاده از پهپادها را نیز برای جمهوری آذربایجان تأمین کرده باشد.

این درگیری مسلحانه پتانسیل ایجاد تنش‌های بزرگ‌تر را در یک منطقه پرتنش دارد. میانجیگری با هدف ایجاد مذاکرات با حسن نیت یک نیاز حیاتی است. اقدامات اعتمادسازی بین آذربایجان و ارمنستان مورد نیاز است. به مجموعه‌ای از اقدامات نیاز است که فراتر از آتش‌بس انجام شود.

قره‌باغ و مناطق اداری مجاور آن در جمهوری آذربایجان ازجمله لاچین، کلبجر، گوبدلی، زنگیلان، جبرائیل، آغدام و فیضولی پهنه‌های مهم درگیری در قره‌باغ هستند.

چالش‌های محیطی نیز در این جنگ مطرح است. رودخانه آغستافاچای یکی از رودخانه‌های فرامرزی بین آذربایجان و ارمنستان است. درگیری‌های سه دهه اخیر بین دو طرف پیامدهای مختلفی بر روی رودخانه در زمینه‌های اکولوژیکی، امنیتی، انسانی و اقتصادی داشته است. کانال‌های آبیاری به طول ۷۲ کیلومتر، ۱۲۰ میلیون مترمکعب آب از مخزن «رودخانه آغستافاچای» به مناطق کشاورزی در کوهپایه‌ها و شهرک‌های مناطق پیرامون رودخانه آغستافاچای می‌رساند. منطقه قره‌باغ دارای آثار طبیعی مختلف و گونه‌های کمیاب گیاهی و جانوری است. منطقه کوهستانی قره‌باغ قفقاز کوچک یک منطقه جنگلی وسیع است. مساحت کل جنگل ۲۴۶هزارو ۷۰۰ هکتار است.

قره‌باغ از نظر منابع طبیعی زیرزمینی و زمینی غنی است. باید توجه کرد که ۴۰ درصد از منابع معدنی و زمین‌شناختی شناخته‌شده جمهوری آذربایجان در مناطق قره‌باغ قرار دارد. مهم‌ترین کانسارها عبارت‌اند از سنگ معدن فلزات غیرآهنی، طلا، جیوه، کرومیت، پرلیت، آهک، مرمر، عقیق، آب‌های معدنی و... . منابع مس و روی در کانسار مهم آنا در بخش غربی قفقاز کوچک متمرکز است. منابع معدنی اکتشاف‌شده برای بهره‌برداری در این منطقه آماده است. منابع جیوه دارای اهمیت صنعتی در منطقه کلبجر قرار دارد.

بیش از ۱۲۰ کانسار آب معدنی با ترکیبات مختلف با ظرفیت تصفیه بالا در مناطق قره‌باغ وجود دارد. ازجمله یوخاری (بالا) و آشاهی (سفلی). آب معدنی ایستیسو منطقه کلبجر از نظر ترکیبات مفید گازی و شیمیایی، دمای بالا و منابع طبیعی فراوان، برای درمان بیماری‌ها مفید است. چشمه معدنی تورشسو (آب شور) در ۱۷کیلومتری شوشاست. تورشسو برای درمان بیماری‌های داخلی مختلف، تأمین آب شوشا از طریق لوله آب استفاده می‌شود. چشمه‌های تورشسو و عیسی قرن‌ها محل برگزاری جلسات شعر و موسیقی قره‌باغ نیز بوده است.

یکی از شرایط اصلی شکل‌گیری سرزمین‌های ملی، روابط نزدیک اقتصادی داخلی است. مرکز منطقه قره‌باغ مرکز منطقه «خان‌کندی» مستقیما با راه‌آهن و بزرگراه‌های آذربایجان و در کل با سیستم حمل‌ونقل جمهوری آذربایجان ارتباط دارد. راه‌آهن از خان‌کندی تا باکو تا ۳۹۲ کیلومتر است.

هشت درصد از کل پیله ابریشم خام واردشده به مجتمع بزرگ صنعتی ابریشم «خان‌کندی قره‌باغ» در سال ۱۹۸۵ -اواخر زمان اتحاد جماهیر شوروی- در قره‌باغ تولید شده است. مابقی ۹۲ درصد از سایر مناطق آذربایجان آورده شده است.

امروزه مسئله آب برای جمهوری آذربایجان اهمیت بالایی دارد. شبکه رودخانه‌های نزدیک در کوه‌های قره‌باغ قفقاز کوچک برای منابع آبی شکل‌گرفته در جمهوری آذربایجان حیاتی است. رودخانه‌هایی که از این کوه‌ها سرچشمه می‌گیرند، به‌ویژه مربوط به شاخه راست کورا، تارتار، هاکاری، هاچین‌چای، کندلن‌چای و سایر مناطق کم‌ارتفاع است و دریاچه‌های مصنوعی و کانال‌های آبیاری بر روی برخی از آنها ساخته شده است. یکی از مجتمع‌های مورد استفاده در آبیاری و دریافت انرژی الکتریکی، مجتمع آبی تارتار است. این مجموعه در سال ۱۹۷۶ ساخته شد.

مخزن سرسنگ و نیروگاه ساخته‌شده بر روی این مجتمع آبی تارتار با حجم مخزن ۵۶۰ هزار مترمکعب، از طریق کانال‌های آبیاری ۸۰ هزار هکتار از مناطق کم‌ارتفاع تارتار، آغدام، بردا و گورانبوی را آبیاری می‌کند.

به نظر می‌رسد آتش‌بسی که روز چهارشنبه ۲۹ شهریور ۱۴۰۲ اعلام شد تا حد زیادی آخرین حمله جمهوری آذربایجان را متوقف کرده است. در سه سال گذشته، قحطی و زور با اعمال محاصره امکان زندگی معمولی را از مردم قره‌باغ سلب کرده است.

گزارش‌خوانی

چگونگی نجات ۶ زن

یک خبرنگار توانست جان شش زن را نجات دهد. سی‌بی‌اس در گزارشی به جزئیات این عملیات پرداخته است. این خبرنگار «خوئه بی لو» نام دارد و در بی‌بی‌سی جهانی مشغول فعالیت است. در واقع یک روزنامه‌نگار در لندن توانسته زنان را از یک کامیون در فرانسه نجات دهد. طبق این گزارش این شش زن به امید رسیدن به بریتانیا، پشت یک کامیون یخچال‌دار سوار شدند. خوئه بی لو، خبرنگار بی‌بی‌سی روز چهارشنبه پیامی دریافت کرد که درخواست «کمک فوری» داشت. او باید به‌سرعت تصمیم می‌گرفت که این پیام جعلی است یا یک پیام واقعی؟ این روزنامه‌نگار لندنی در برنامه تلویزیونی گفته است: «من نمی‌دانم او کی بود و نخواست که هویتش فاش شود. او برای من نوشته بود که می‌داند شش زن جوان در کامیونی که در حال حرکت بود مخفی شده‌اند، اما نمی‌دانست در حال حاضر کجا هستند و از مسیری که کامیون به سمت آن می‌رفته اطلاعی نداشت».

شرایط از نظر «لو» بسیار واقعی به نظر می‌رسید، او سال‌ها پیش داستانی را در مورد افرادی که هنگام قاچاق در پشت کامیون جان خود را از دست دادند، منتشر کرده بود. در آن سال زنان ویتنامی جان خود را در موقعیتی مشابه از دست داده بودند. غریزه خبرنگاری به او می‌گفت اگر تردید کند ممکن است اتفاقی نظیر آن سال رخ دهد. او نمی‌توانست جان انسان‌ها را به خاطر بی‌عملی و تردید به خطر بیندازد. بنابراین تصمیم گرفت این خبر را پیگیری کند. لو معتقد بود: «این خبر واقعی است... پس باید خیلی سریع کاری انجام دهم وگرنه شاید خیلی دیر شود». طبق اطلاعی که به او داده شده بود زنان بدون اطلاع راننده در یک کامیون یخچال‌دار متعلق به کشور لیتوانی که پر از جعبه‌های موز بود، پنهان شده بودند که به سمت شمال فرانسه حرکت می‌کرد. زنان امیدوار بودند به بریتانیا بروند، اما از طریق مکان‌یابی گوشی‌های خود دانستند که کامیون به سمت مقصد آنان نمی‌رود.

او اطلاعات زیادی برای پیگیری نداشت. کسی که با او صحبت می‌کرد شماره ماشین را نداشت. اما او قبول کرد که ارتباط «لو» را با زنان برقرار کند، این کار از طریق اپلیکیشنی که در ویتنام مورد استفاده قرار می‌گیرد انجام شد. این زنان نمی‌خواستند هویت خود را فاش کنند، اما می‌توانستند اطلاعات را ذره‌ذره از طریق پیام‌ها و ویدئوها به اشتراک بگذارند.

لو گفت: «آنها برای من کلیپ‌هایی از داخل کامیون می‌فرستادند؛ کلیپ‌هایی از فضای تنگ و بسته داخل کامیون و در یک کلیپ صدای زنانه‌ای به انگلیسی می‌گفت نمی‌توانم نفس بکشم».

بر اساس این اطلاعات، لو متوجه شود که این زنان در چه وضعیتی هستند، چند نفر در کامیون هستند و مهم‌تر از همه به طور تقریبی توانست موقعیت مکانی را که کامیون در آنجا قرار داشت حدس بزند. زنان محبوس از تلفنشان برای به اشتراک گذاشتن موقعیت مکانی خود با خبرنگار استفاده کردند. آنها در فرانسه و در یک کامیون یخچال‌دار که دمای داخل آن شش درجه سانتی‌گراد بود، در حال حرکت بودند.

«لو» شروع به هماهنگی با برخی از همکارانش در بی‌بی‌سی کرد. در واقع تیمی از خبرنگاران بی‌بی‌سی توانستند با همکاری یکدیگر به این شش زن کمک کنند. از آنجایی که او فرانسوی صحبت نمی‌کرد، به کسی نیاز داشت که با پلیس تماس بگیرد. او به همکارانش در فرانسه پیام داد. همچنین متوجه شد که زنان مهاجر توانسته‌اند با خبرنگاری از نشریه لوموند که در شهر لندن زندگی می‌کند نیز ارتباط برقرار و درخواست کمک کنند. خبرنگار لوموند نیز اطلاعاتی که لو درباره مکان کامیون در اختیار داشت به پلیس داده است.

از آنجایی که موقعیت مکانی کامیون مدام در حال تغییر بود، مدتی طول کشید تا پلیس شناسایی و مکان خودرو را پیدا کند.

همه این اتفاقات از لحظه دادن خبر تا نجات این زنان دو ساعت طول کشیده است؛ دو ساعت پر از ترس، دلهره و نگرانی. لو در این مدت ارتباطش را با زنان داخل کامیون حفظ کرده بود و آنها را در جریان فعالیت‌های پلیس قرار می‌داده است. لو معتقد است: «احساس می‌کنم خیلی‌خیلی خوش‌شانسم و بسیار سپاسگزار».

لو معتقد است دلیل این تماس با او به خاطر خبری است که چهار سال پیش درباره مرگ ۳۹ مهاجر در پشت کامیون منتشر کرده است. اتفاقی که در سال ۲۰۱۹ در سراسر جهان مورد توجه و حیرت قرار گرفت. لو ابراز امیدواری کرده است که دیگر چنین پیامی را دریافت نکند.

لو نتوانسته است جزئیات بیشتری درباره این زنان به دست بیاورد. او معتقد است نباید آنان را به خاطر تلاش خطرناکشان برای مهاجرت به این شیوه سرزنش کرد. او تأکید کرد که ما در شرایط آنان نیستیم و نمی‌توانیم از منظر آنها به ماجرا نگاه کنیم. او گفته است: «با بسیاری از مهاجران غیرقانونی در این زمینه مصاحبه کرده‌ام، آنها همیشه گفته‌اند دلیلی برای این کار دارند، اما هرگز دلیل واقعی را اعلام نکرده‌اند».

دادستان فرانسوی که این ماجرا را پیگیری کرده، گفته است که راننده کامیون مقصر نبوده و او پس از شنیدن صدایی که از ماشینش می‌آمد با پلیس تماس گرفته است.

بر اساس گزارش بی‌بی‌سی، هر شش زن مهاجر که چهار زن از ویتنام و دو نفر از عراق بوده‌اند، پس از پشت سر گذراندن این مصیبت، سالم هستند و حال عمومی آنها خوب است. البته قرار شده که چهار نفر از آنها تا ۳۰ روز آینده فرانسه را ترک کنند و به دو نفر دیگر اجازه اقامت و درخواست پناهندگی داده شده است.